

## انجمن ترویج علم و مروجان علم

هنگامی که واژه‌ای وارد زبان می‌شود ولی مفهومی که واژه روی آن سوار است ساخته و پرداخته گویشوران آن زبان نیست احتمال ایجاد سوءتفاهم بسیار است. به ویژه هنگامی که کلمه برگزیده در زبان سابقه داشته باشد. به واژه "گفتمان" در مقابل مفهوم "دیسکورز" در جامعه‌شناسی مدرن توجه کنید! کمتر فارسی‌زبانی آن را برای همان مفهوم مدرن "دیسکورز" به کار می‌برد بلکه اکثر گویشوران ما آن را واژه شیک جدیدی به معنی گفت‌وگو به کار می‌برند. اینگونه است که مصادره مفاهیم در زبان مدرن فارسی بسیار رایج است.

نمونه دیگر کلمه "علم" است که در حدود ۱۳۰۰ سال پیش وارد زبان فارسی شد و معادل دانش بود. این روزه هم هر دو واژه علم و دانش کمابیش معادل هم در فارسی به کار می‌روند و فرهنگ‌نویسی فارسی اخیر گواه بر این است که ما از تفاوت مفاهیم علم و عالم در دنیای مدرن با آنچه مربوط به تاریخ و گذشته ما است، غافلیم و همین باعث سوءتفاهم‌های بسیار در سیاست‌گذاری علم و فناوری در ایران شده است و مانعی برای توسعه ما ایجاد کرده است. زبان ما هنوز تفاوت میان دانش و معرفت به معنی مجموعه دانسته‌های بشری و علم به معنی فرایندی نوین در جوامع بشری پیشرفته نیست که دانش و فرهنگ و معرفت جدید تولید می‌کند و این گواه بر این است که ما فارسی‌زبانان هنوز واقف به امر مدرن علم نشده‌ایم.

نمونه دیگر واژه انجمن است. در فرهنگ‌های فارسی به معنی گرد هم آمدن است. مثلاً فرهنگ معین آن را به معنی مجمع و مجلس می‌گیرد و نیز گروه افرادی که برای هدف مشترکی گرد هم جمع شوند مانند انجمن خیریه! فرهنگ جدیدتر سخن آن را به معنی سازمان یا کانونی می‌گیرد که اعضای آن در یک حرفه یا منافع مشترک فعالیت می‌کنند مانند انجمن خوشنویسان! به نظر می‌رسد در ذهن اکثر ما این معنی‌ها غالب باشد. اما معنی مدرن آن در فارسی بسیار ظریف شده است. حتی ویکی‌پدیای فارسی که سعی کرده است به این معنی مدرن نزدیک بشود آن را جمعی با علایق صنفی تعبیر کرده است که هنوز با معنی انجمنی مانند انجمن‌های علمی که دو وزارت علوم و بهداشت مجوز فعالیت می‌دهند بسیار متفاوت است. به همین دلیل وزارت علوم مثلاً به انجمنی به نام "انجمن فیزیک‌دانان ایران" مجوز نمی‌دهد اما به انجمن فیزیک یا انجمن علوم فیزیکی چرا! همین‌طور به انجمن مروجان علم مجوز نمی‌دهد اما به انجمن ترویج علم چرا! می‌دانید چرا؟ انجمن مروجان علم باید برود به وزارت

کشور و مجوز صنفی بگیرد. این واقعیت‌ها را می‌شود نقد کرد و "گفتمانی" درباره نقد آن به راه انداخت اما تا زمانی که این گفتمان به واقعیتی اجرایی تبدیل نشده باید فقط به واقعیت‌ها پرداخت و نقد را در حیطه واقعیت نگهداشت نه در حیطه گفتمان!

انجمن‌های علمی قرار است واسطی باشند میان دانشگران یک رشته (به زبان متعارف‌تر اهل علم یک رشته)، که در عرف مدرن به آن اجتماع علمی آن رشته می‌نامند، و جامعه به معنای عام آن! در مورد علمی بنیادی مانند علوم پایه این تفکیک کاملاً روشن است اما در میان علوم کاربردی این تفکیک گاهی سخت می‌شود. مثلاً کارگروه اپتیک که از انجمن فیزیک منتزع شد و انجمن اپتیک و فوتونیک را تأسیس کرد به یک باره اوج گرفت. انواع کارکنان رشته اپتیک در جامعه به آن پیوستند که البته بنا بر آیین‌نامه‌های وزارتی نمی‌توانند عضو پیوسته باشند. به این ترتیب انجمن‌های علمی با مجوز وزارت معنی بسیار خاص و حیطه اختیارات خاص و وظایف خاصی دارند که آنها را از انجمن‌های صنفی یا انجمن‌های عام‌المنفعه یا "هیئت"های محلی جدا می‌کند. بی‌توجهی به این تمایزها بسیار سوءتفاهم در جامعه ما فارسی‌زبانان ایجاد می‌کند که باید کوشید از آن بر حذر بود و دچار آن نشد.

از طرف دیگر انجمن داری فعالیتی است بسیار پیچیده به خصوص در شرایط فرهنگی ما! توجه داشته باشیم انجمن‌هایی که بیش از ۸۰ سال در ایران فعالیت دارند، مانند انجمن فیزیک ایران، هنوز گرفتار مشکلات مدیریتی‌اند. ما هم اکنون بیش از ۳۰۰ انجمن علمی در ایران داریم و بعید است بشود گفت بیش از ۱۰ درصد آنها در حال قوام یافتن و بقیه هنوز در دوران نوباوگی و رشد انجمنی‌اند، نباید جز این هم انتظار داشت. موارد چندی هستند که وزارت از فعالیت آنها جلوگیری کرده است چون به چاله فعالیت‌های صنفی افتاده‌اند. انجمن ترویج علم هم در شرایط سختی است که انتظار از آن را باید متناسب با سشس مهار کرد.

نزدیک به ۱۵ سال پیش هنگامی که کوشش شد برای این انجمن مجوز گرفته شود در چگونگی فعالیت آن بسیار ابهام وجود داشت، اما تأسیس شد. چند دوره از هیئت مدیره را پشت سر گذاشته‌ایم. خود من در سال‌هایی در وزارت مشورت می‌دادم که به نظر من این انجمن به دلیل فعالیت کمرنگش و به دلیل مراعات نکردن اساسنامه و آیین‌نامه‌های وزارتی شاید باید تعطیل اعلام بشود. خوشحالم که می‌بینم اینطور نشد و همکاران علاقه‌مند دانشگاهی کوشش می‌کنند در عین مراعات آیین‌نامه‌های وزارتی جای خودشان را میان دانشگران از یک طرف و میان مروجان علم از طرف دیگر و جامعه به معنی عام آن پیدا بکنند. کاری است بسیار دشوار و دشوارتر از هر نوع انجمن داری دیگر. من این را با پوست و استخوان خودم حس می‌کنم و به مسئولان آن دستم‌ریزاد می‌گویم که ان‌شالله سنت پایداری برای این انجمن و راه همواری برای هیئت مدیره‌های بعدی باقی بگذارند. مروجان علم هم که با عشق به ترویج علم می‌پردازند خوب است به این وظیفه سنگین و شرایط بسیار سخت انجمن داری توجه بکنند و خود را بازوی قوی برای انجام بخشی از اهداف این انجمن تلقی کنند. همدلی و همکاری در هر شرایطی اکنون مهم‌تر از هر چیز است.

رضا منصور  
آذر ماه ۱۳۹۵